

محقق و نویسنده آذری: انطباق قاعده ی «یک ملت- دو دولت» برای روابط ایران و جمهوری آذربایجان

در شجره و نسل هر فارس ایرانی به طور مطلق، خون آذربایجانی وجود دارد و هم چنین، در ریشه هر مرد آذربایجانی لاجرم خویشاوندی فارس ها انکار ناپذیر است

/خبرگزاری آران

خبرگزاری آران/ سرویس آذربایجان

به گزارش مرکز فرهنگی قفقاز سایت بیریلیکی مطلبی به قلم اسماعیل ولی اف نوشت: حل درست و به موقع روابط آذربایجان – ایران، امروز برای کشور و مردم مان مهم ترین مسئله می باشد. به عنوان دولتی جوان، در مرحله شکل گیری هستیم و باید درک و فهم کاملاً روشنی از یک سری مسائل بنیادین، و در وهله اول منشأ مردم و دولت، داشته باشیم. افسوس که در نتیجه ی تحریف تاریخی آذربایجان که از دوره ی مستعمره گری تزار باقی مانده بود و از طرف بلشویسم شوروی ادامه یافت، هویت ملی مان تا به امروز نتوانسته است از اسارت افسانه ها و گرد و غبارها رهایی یابد.

کرملمین در دوره ی تزار، نام «تاتار» به ما داده بود. او با این کار خویش تلاش می کرد تا جدا شدن مان را از ایران و آذربایجانی بودن مان را به فراموشی بسپارد.

ولی اف در ادامه می نویسد: مشکل زبان، ابزار اساسی ایجاد تفرقه برای کسانی است که می خواهند بین ایران و آذربایجان درگیری و مناقشه ایجاد کنند. در اصل، نمی توان از دشمنی نژادی بین آذربایجانی ها و فارس ها صحبت کرد. این نژادها در طول دوره ی بیش از 2700 سال، شهروند یک دولت بوده اند و خاندان های منسوب به هر دو این نژادها، بر این دولت پادشاهی کرده اند. این دو که از دوره ی زرتشت به این طرف دینشان یکی بوده و دوشادوش هم با دشمنان بی شماری جنگیده اند، نمی توانند دشمن هم باشند.

در شجره و نسل هر فارس ایرانی به طور مطلق، خون آذربایجانی وجود دارد و هم چنین، در ریشه هر مرد آذربایجانی لاجرم خویشاوندی فارس ها انکار ناپذیر است. کسانی که در صدد تجزیه ی نژادی و قومی ایران هستند، باید درک کنند که این کار امکان پذیر نیست.

این محقق و نویسنده آذری در ادامه نوشت: باید به طور ویژه عنوان کنیم، این که مسئله ی زبان یگانه عامل و عنصر تمام کننده در موضوع منسوبیت ملی می باشد، از دکتترین ملی – سیاسی دستوری استالین نشأت می گیرد. در اصل، اجتماع (قبایل) را تنها زبان به مردم تبدیل نمی کند. در میان عناصری که شعور ملی را سامان می دهد مکان جغرافیایی، اشکال تصرفات، طرز زندگی (یک جانشینی، کوچ نشینی، آمیزه ای از این دو و...) موسیقی ها و رقص ها، نسخه های قدیمی (دست خط های قدیمی) معنوی و دینی فلسفی واحد، سنت ها و مراسمات، نوع و طرز پوشش ها، عادت های خانوادگی- اخلاقی (به ویژه در مراسمات دفن (عزا) و عروسی)، اسلوب های معماری – صنعت شهر سازی، هنرهای تطبیقی و بدیع، مکتب های آفرینش هنری، ویژگی های آشپزخانه ای، تاریخ عمومی گذشته، برابری منافع اقتصادی و سیاسی، تلاش عمومی برای توسعه ی این ها، جنگ های دفاعی با دشمنان خارجی و... از این دیدگاه، آذربایجانی ها و فارس هایی که در ایران زندگی می کنند و زبانشان با هم فرق می کند، ملت واحدی هستند - ملت ایران. به این علت، تصور ایران به عنوان «دولتی فارس» و آذربایجانی ها به عنوان اقلیتی که مورد ظلم قرار گرفته اند، برداشتی اشتباه می باشد.

امروزه جمهوری آذربایجان وارث مشترکات بسیاری با ایران می باشد. به طور ساده، در طول 2-3 سده ی اخیر، حوادث سیاسی جهانی که اتفاق افتاد، راه آذربایجان را جدا کرد و آن را به کشوری مستقل در جهان و صحنه ی بین المللی تبدیل کرد.

ولی اف در پایان می افزاید: فکر دشمنی ایران با جمهوری آذربایجان و هم چنین، جمهوری آذربایجان با ایران غیر واقعی است. قاعده ی «یک ملت – دو دولت» برای این روابط هم کاملاً قابل انطباق می باشد. اگر آب و هوای بی اعتمادی و شبهه های متقابل از میان برداشته شود، ما از اعتراف به مرتبط بودن گذشته ی پر افتخار تاریخ مان با ایران واهمه ای نداریم. ایران هم به ما به عنوان «کانون تجزیه طلبی» و کشوری که مایل به از هم پاشیدن ایران باشد، نگاه نخواهد کرد. ما در اصل، با قاعده ی «یک ملت – دو دولت» مسلح شده و هر دوی مان قوی تر می. /خ

پایان پیام.